نگاه کارشناس

دور بی‌برنامگی در آموزش‌وپرورش

محمدرضا نیک‌نژاد

■ چند روز پیش، یکی از معاون‌های دبیرستان برگه‌ای را به من داد که روی آن نوشته شده بود «نمون برگ ارزشیابی مستمر مدارس متوسطه نظری از سال تحصیلی ۹۱-۹۰» با لبخند گفت «نمون برگ» است، نه «نمونه برگ»! و ادامه داد باز دکانی برای برخی باز شده، تا زمانی بگذرانند و ... این واکنش بیشتر فرهنگیان- درست یا نادرست- به بخشنامه‌ها و دستورهایی است که هر روز و هر ماه و هر سال در آموزش‌وپرورش صادر می‌شوند و بسیاری به مدرسه نرسیده لغو می‌شوند. نمونه‌های فراوانی از این «قانون‌های یک‌شبه» می‌توان نام برد که پایداری آنها در آموزش‌وپرورش با خوش‌بینی بیش از یک سال نمی‌شود. اما چرا؟ چگونه است که بیشتر بخشنامه‌ها و دستورهای نوشته شده حوزه‌های ستادی، نه تنها در پایین‌ترین سطح هرم آموزش‌وپرورش یعنی مدرسه‌ها اجرا نمی‌شود بلکه از سوی راس این هرم نیز به‌طور درخوری پیگیری نمی‌شود؟

شاید یکی از علت‌ها را بتوان دوری فرهنگیان – اجراکننده‌های بخشنامه‌ها- از کانون‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دانست. فرهنگیان آنچنان خود را دور از این کانون‌ها می‌دانند که برنامه‌ریزان و صادرکنندگان بخشنامه‌ها را نشسته در اتاق‌های شیشه‌ای می‌خوانند که غالبا تجربه عملی از آموزش، مدرسه، کلاس و دانش‌آموز ندارند. برخی از این دستورات آنچنان دور از فضای مدرسه است که چند روز هم یارای ایستادگی ندارد. از سوی دیگر این بخشنامه‌ها معلمان را به یاد این گفته آشنا که «آفتابه و لگن صد دست...» می‌اندازد. سال‌هاست فرهنگیان از اندازه دستمزد خود گله دارند و دریافتی خود را هم‌تراز با چشمداشت مسوولان نمی‌دانند از این رو کمتر به همیاری‌ها پاسخ مثبت می‌دهند.

اما پاسخ ژرف‌تری نیز می‌توان به این موارد داد. آموزش‌وپرورش آکنده از کانون‌ها و جزیره‌های جدا و دورافتاده تصمیم‌سازی از هم است. در سراسر سال‌های راه‌اندازی این وزارتخانه، همواره دستگاه‌های گوناگون دولتی و گروه‌های سیاسی رقیب، نگاهی ابزاری به این نهاد فراگیر و اثرگذار داشته‌اند. برآیند این نگاه‌ها، گاه شیرازه کارها را چنان از دست مدیران درمی‌آورد که گسترده‌ترین نهاد کشور به پیکری بی‌سامان می‌ماند. گاهی آن را بنگاه کاریابی و اشتغال‌زایی می‌دانند و گاهی ابزاری برای فشار بر دولت، هرازگاهی آن را بهترین جا برای به دست آوردن رأی می‌پندارند و گاهی هم جاده صاف‌کن سیاست‌های اقتصادی و... آنچه کمتر به چشم می‌آید نگاهی توسعه‌گرا و رشدیابنده در جهانی سراسر پر رقابت و پیش‌رونده است. به گفته بسیاری از کارشناسان، آموزش‌وپرورش هیچ‌گاه دارای برنامه و نقشه راه هدفمند، یکپارچه و آینده‌نگر نبوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر شکوهی در دولت موقت آهنگ نوشتن برنامه‌ای فراگیر کرد. برنامه در دوره وزارت پرورش تصویب شد ولی اجرایی نشد. در دوره مدیریت اکرمی برنامه‌نویسی پیگیری نشد و آموزش‌وپرورش درگیر دشواری‌های دوران جنگ شد و مدرسه‌ها به شکل کانون‌های دفاع از انقلاب و کشور در پشت جبهه درآمدند. با پایان یافتن جنگ و روی کار آمدن دولت سازندگی، نیرویی دانشگاهی و مدیری باتجربه اما بیگانه با آموزش‌وپرورش به‌نام نجفی بر فراز این نهاد فراگیر- که اکنون دچار بیماری‌های فراوانی نیز شده بود- گمارده شد. اگرچه نجفی در آموزش‌وپرورش چهره درخشانی از خود باقی گذاشت اما در زمینه تهیه سند یا برنامه‌ای فراگیر، کم‌کاری ناباورانه‌ای انجام داد. در همه این سال‌ها کارشناسان آموزشی از نبود برنامه و نقشه راه گله‌مند بودند. نجفی دیرپاترین و دگرگون کننده‌ترین وزیر آموزش‌وپرورش در دوران ۳۳ساله انقلاب است. اما باز هم نبود آن نقشه راه آن کرد که نباید. کنار رفتن نجفی همانا و چرخش در به روی پاشنه پیشین همان. مظفر با برآمدن دولت خاتمی بیشترین تغییرهای دولت سازندگی در آموزش‌وپرورش را کنار گذاشت و به خانه نخست بازگشت. باز هم دگرگونی‌های سلیقه‌ای و ناگهانی آغاز شد و همه هزینه‌ها برای ساختن دوباره چرخ آغاز شد. در دولت دوم اصلاحات روندی که در دوره نجفی آغاز شده بود، یعنی باز کردن پای کارشناسان دانشگاهی در آموزش‌وپرورش پی گرفته شد. برون‌داد این کار آغاز آماده‌سازی یک نقشه راه آینده‌نگر به نام «سند ملی آموزش‌وپرورش» شد. هزاران ساعت کار کارشناسی روی آن انجام گرفت ولی در دولت خاتمی پایان نیافت. در دوران فرشیدی آن را به بهانه مشکلات دینی و فرهنگی کنار گذاشتند و در دوران علی احمدی باز هم با هزینه‌های هنگفتی، دگرگونی‌های گسترده‌ای یافت و در پایان هم سرفرازی تصویب آن در شورای‌عالی آموزش‌وپرورش برای حاجی‌بابایی ماند! اما جدای از اینکه این سند تا چه اندازه با آموزش‌وپرورش ایران، دستاوردهای پژوهشی آموزش‌شناسی جهانی و نیازهای دانش‌آموزان امروزین کشور سازگار است، هنوز هم اجرایی نشده و هنوز هم شاهد کردارهای سلیقه‌ای و بیرون از چارچوبی ترازمند برای وزیر و همکاران او هستیم. برخی از دگرگونی‌های انجام شده در دوران حاجی‌بابایی ساختار آموزش‌وپرورش را به ده‌ها سال پیش برمی‌گرداند و برخی نیز تغییراتی را که باید در چندین سال و در زمان و مکان‌های گوناگون آزموده، بررسی و ارزیابی شود را در یک سال اجرایی می‌کند و... . اکنون نیز سرنوشت آن در تیرگی گسترده‌ای به‌سر می‌برد. در این میان، فرهنگیان، پدر و مادرها و کارشناسان، در نبود یک نقشه راه و برنامه همه‌سو نگر، چگونه می‌توانند کارهای این وزیر یا هر مدیر دیگری را سنجیده و ارزشیابی کنند؟ تا چه موقع آموزش‌وپرورش باید جولانگاه حوزه نفوذ باورهای فردی یک وزیر باشد؟ و تا چه موقع آموزش‌وپرورش چنین جهش‌های پر پیچ و خم و دورهای پیاپی را تاب می‌آورد؟ باید شکیبا بود و دید.

بررسی بیش از ۵۰ تغییر کوتاه‌مدت و ساختاری آموزش‌وپرورش در دولت‌های نهم و دهم

رسم نانوشته تغییرات ساختاری در آموزش‌وپرورش

محمدحسین نجاتی

عکس: سایت آموزش و پرورش

تغییرات ساختاری در آموزش به رسمی نانوشته در میان وزرای آموزش‌وپرورش تبدیل شده است. وزرای این وزارتخانه به خصوص در دولت‌های نهم و دهم رقابت عجیبی برای تغییرات در ساختار آموزش‌وپرورش دارند، به طوری‌که چارت‌های سازمانی آموزش‌وپرورش در زمان وزارت فرشیدی، علی‌احمدی و حاجی‌بابایی به کلی متفاوت بوده است و این وزارتخانه را در ایران به یکی از رکورددارن تغییرات کوتاه‌مدت و ساختاری در میان سایر وزارتخانه‌های دولتی تبدیل کردند.

آموزش‌وپرورش باید زیرورو شود. این عقیده را عامه وزرای آموزش‌وپرورش داشته‌اند. هرچند اختلاف سلیقه باعث عدم این تحول شده است. اما حاجی‌بابایی، وزیر کنونی آموزش‌وپرورش نیز مانند اکثر وزرای سابق این وزارتخانه علاقه عجیبی به تغییرات در بدنه این وزارتخانه و ساختار آموزشی دارد با این تفاوت که او گوی سبقت را از دیگر همتایان سابق خود ربوده است.

رقیب اصلی حاجی‌بابایی در این تغییرات مرتضی علی‌احمدی بود که در سال‌های ۸۶ تا ۸۸ در این وزارتخانه به کلی چارت سازمانی آموزش‌وپرورش در زمان فرشیدی را تغییر داد و حاجی‌بابایی وزیر کنونی این وزارتخانه به اندازه بیشتر این رسم نانوشته را ادامه داد و این دفعه نوبت او بود که چارت سازمان ساخته و پرداخته علی‌احمدی را تغییر دهد.

این وزارتخانه با بیش از ۵۰ میلیون مخاطب مستقیم و غیرمستقیم به عنوان یکی از بزرگ‌ترین وزارتخانه‌های دولتی در کشور در حال فعالیت است تاکنون تغییرات بسیاری را در ساختار و چارت سازمانی خود دیده است.

در این وزارتخانه روزی معاونت پرورشی در دولت اصلاحات حذف می‌شود و جایگزینی سازمان دانش‌آموزی می‌شود، پس از آن معاونت پرورشی در دولت نهم دوباره احیا می‌شود، روزی دیگر معاونت‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در زمان وزارت علی‌احمدی حذف می‌شود و فردا روز در زمان وزارت حاجی‌بابایی دوباره احیا می‌شود. تقویت دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در زمان فرشیدی و حذف کامل آن در زمان وزارت حاجی‌بابایی، حذف مشاوره امور بانوان و نهضت سوادآموزی در زمان حاجی‌بابایی، ایجاد ۱۰ مشاوره در زمان علی‌احمدی و حذف کلی آن در زمان حاجی‌بابایی و بسیاری از این تغییرات ریز نمونه‌ای از این تغییرات کوتاه‌مدت در چارت سازمانی این وزارتخانه عریض و طویل در طول سال‌های اخیر است. جدای از آشفتگی‌های پیش‌آمده هرباره در ساختار تشکیلاتی این وزارتخانه شاید بتوان گفت در طول شش سال فعالیت دولت نهم و دهم در این وزارتخانه تاکنون بیش از ۵۰ تغییر ساختاری در آموزش‌وپرورش روی داده است که این تغییرات تنها سهم سه وزیری است که در میان آنها علی‌احمدی و فرشیدی تنها دو سال در صدر مدیریت این وزارتخانه قرار داشتند. نکته دیگر در این رابطه میزان هزینه‌های تحمیلی است که با پشتوانه بودجه‌های دولتی در پشت صحنه این تغییرات هدر می‌رود. اگرچه هنوز واکنشی نسبت به این تغییرات عمده از سوی مراکز نظارتی در این رابطه صورت نگرفته است اما آشفتگی موجود در این وزارتخانه کماکان قابل مشاهده است. چراکه هر روز در این وزارتخانه شاهد حذف دفاتر و سمت‌ها، تغییر نام سازمانی یا ارتقا یا تقلیل پست‌هایی هستیم.

رقابت علی‌احمدی و حاجی‌بابایی برای تغییرات بیشتر

در کنار وزرای آموزش‌وپرورش در دولت نهم علی‌احمدی و حاجی‌بابایی وزیر سابق و وزیر کنونی آموزش‌وپرورش بیشترین رقابت را با یکدیگر داشته‌اند و می‌توان به جرات گفت همه تغییرات علی‌احمدی در آموزش‌وپرورش در سال‌های ۸۶ تا ۸۸ به کلی از سوی حاجی‌بابایی دگرگون شد و اثری از چارت مورد تایید علی‌احمدی در آموزش‌وپرورش باقی نمانده است.

به طوری‌که نمودار تشکیلاتی آموزش‌وپرورش در زمان علی‌احمدی به شکلی تغییر یافت که عنوان می‌شد او مدت زیادی با گروه مشاوران متخصص خود روی آن کار می‌کرد و نتیجه آن شد که تشکیلات آموزش‌وپرورش بر اساس چارت سازمانی دارای پنج معاونت شامل معاونت پرورشی و تربیت‌بدنی، معاونت آموزش و نوآوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت، معاونت حقوقی و امور مجلس و استان‌ها و معاونت پشتیبانی شد. معاونت پرورشی و تربیت‌بدنی شامل دفتر امور مشاوره و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، دفتر توسعه فعالیت‌های اردویی، فرهنگی و هنری، دفتر گسترش فرهنگ نماز و فعالیت‌های قرآنی، اداره کل سلامت و تربیت‌بدنی دختران و اداره کل سلامت و تربیت‌بدنی پسران. معاونت آموزش و نوآوری شامل دفتر آموزش و خلاقیت پیش‌دبستانی و ابتدایی، دفتر دوره راهنمایی تحصیلی و حرفه‌ای، دفتر آموزش و پژوهش متوسطه و پیش‌دانشگاهی، دفتر ارتقای حرفه‌ای فرهنگیان و تربیت معلم و دفتر امور آموزشکده‌ها و هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای بود. همچنین معاونت برنامه‌ریزی و نظارت شامل دفتر تحول اداری و فناوری اطلاعات، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی و ارزیابی برنامه‌ها و دفتر آمار، برنامه‌ریزی و بودجه و تامین منابع بود که ستاد تحول بنیادین آموزش‌وپرورش با این معاونت ارتباط مستقیم داشت. معاونت حقوقی، امور مجلس و استان‌ها شامل دفتر امور مجلس و استان‌ها، دفتر امور حقوقی، املاک و حمایت قضایی کارکنان، دفتر همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بود. ضمن اینکه علی‌احمدی دارای ۱۰ مشاور شامل مشاورت خلاقیت و نوآوری، مشاورت تعامل با حوزه‌های علمیه، مشاورت اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، مشاورت ساحت‌های تربیتی، مشاورت امور مشارکت، مشاورت پیگیری ویژه (آموزش عشایری، نقاط ارزی و غیره)، مشاورت جوان، مشاورت امور زنان و خانواده، مشاورت فنی و حرفه‌ای و کارآفرینی و مشاورت فناوری اطلاعات و ارتباطات بود.

> **در طول شش سال فعالیت دولت نهم و دهم در این وزارتخانه تاکنون بیش از ۵۰ تغییر ساختاری در آموزش‌وپرورش روی داده است که این تغییرات تنها سهم سه وزیری است که در میان آنها علی‌احمدی و فرشیدی تنها دو سال در صدر مدیریت این وزارتخانه قرار داشتند**

حال با بررسی چارت کنونی آموزش‌وپرورش می‌توان دریافت که چارت علی‌احمدی با تمامی هزینه‌ها و پتانسیل‌هایی که در آن زمان به این وزارتخانه به دلیل اصرار وزیر به تغییر چارت تحمیل شد بازهم در زمان حاجی‌بابایی دگرگون شد.

وزیر کنونی آموزش‌وپرورش در سال ۱۳۸۸ همزمان با ورودش به ساختمان وزارتی آموزش‌وپرورش تغییرات خود را به شکلی آغاز کرد که تا ماه‌های بعد نام و نشانی از بسیاری از دفاتر و معاونت‌ها و مسوولان آن دیده نمی‌شد.

به طوری‌که حاجی‌بابایی در ابتدا پنج معاونت چارت سازمانی آموزش‌وپرورش را یعنی معاونت‌های پرورشی و تربیت‌بدنی، معاونت آموزش و نوآوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت، معاونت حقوقی و امور مجلس و استان‌ها و معاونت پشتیبانی را به کلی تغییر داد و با حذف معاونت‌های برنامه‌ریزی و نظارت، آموزش و نوآوری و دو معاونت آموزش ابتدایی و آموزش متوسطه را به چارت جدید اضافه کرد.

پس از آن ۱۰ مشاور موجود در چارت سازمانی سابق را به کلی حذف کرد و دفتر مهمی همچون دفتر امور زنان وزارت آموزش‌وپرورش را به مشاوره کاهش داد.

او در ادامه سازمان‌ها، معاونت‌ها و دفاتر مهمی همچون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سازمان آموزش کودکان استثنایی، سازمان نهضت سوادآموزی، سازمان دانش‌آموزی، صندوق ذخیره فرهنگیان، پژوهشگاه مطالعات آموزش‌وپرورش، مرکز مدارس خارج از کشور و دفتر روابط عمومی را از زیر نظر معاونت‌ها و خود سازمان‌های مستقل جدا کرد و در چارت جدید به کلی آنها را زیر نظر خود آورده است.

تزریق سمت‌ها و عناوین سازمانی جدید در آموزش‌وپرورش

حمیدرضا حاجی‌بابایی و مسوولان کنونی وزارت آموزش‌وپرورش علاوه بر تغییر و حذف برخی سمت‌ها و پست‌های سازمانی مهم در این وزارتخانه علاقه عجیبی نیز به تزریق طرح‌های جدید و سمت‌ها و عناوین سازمانی جدید هم دارند. نمونه این اقدامات بسیارند که می‌توان به ارتقای دفتر روابط عمومی این وزارتخانه به مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی، تاسیس مرکز سنجش آموزش‌وپرورش، تاسیس مرکز آموزش نیروی انسانی، آمار و فناوری، زیر نظارت آوردن شورای‌عالی آموزش‌وپرورش از دفتر رییس‌جمهور به وزیر آموزش‌وپرورش و تاسیس مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج کشور در چارت جدید این وزارتخانه اشاره کرد. مراکزی که شاید نمونه آنها در چارت‌های سابق این وزارتخانه به شکل دیگری وجود داشت اما تغییر ظاهری و کاربری این مراکز به شکلی صورت گرفته که تمامی آنها زیر نظر مستقیم وزیر آموزش‌وپرورش گنجانده شده است. البته علاقه مسوولان آموزش‌وپرورش به تزریق طرح‌ها و مسایل ناآشنا به آموزش‌وپرورش تنها به چارت سازمانی یا نمودار تشکیلاتی محدود نمی‌شود بلکه باید گفت که وزیر آموزش‌وپرورش نیز مانند اکثر وزرای سابق این وزارتخانه علاقه عجیبی به تغییرات در بدنه این وزارتخانه و ساختار آموزشی دارد اما او گوی سبقت را از دیگر همتایان سابق خود ربوده است. سرعت اعلام طرح‌هایی جدید در وزارت آموزش‌وپرورش در این روزها به حدی است که حتی طرح‌هایی که وزیر آموزش‌وپرورش پیش از این در زمان نمایندگی مجلس با آنها مخالفت کرده بود، نیز مطرح می‌شود. از سوی دیگر، نقطه مشترک بسیاری از طرح‌های کنونی در آموزش‌وپرورش ابهام در زمان اجرای آنها یا باقی ماندن در مرحله اظهارنظر است. به طوری‌که دو سال است مسوولان آموزش‌وپرورش زمان اجرای طرحی مانند اصلاح ساختار آموزشی را «سال تحصیلی» آینده عنوان می‌کنند اما تا زمان اجرای آن طرح‌ها می‌رسد، خبری از آنها نیست.

حذف دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در چارت جدید آموزش‌وپرورش

این تمامی تغییرات حاجی‌بابایی در آموزش‌وپرورش نبود. چراکه سیاست تغییرات حاجی‌بابایی به یکی از مهم‌ترین دفاتر این وزارتخانه نیز رسید و حاجی‌بابایی در چارت سازمانی جدید خود اقدام به حذف «دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» مدارس و دانش‌آموزان کرد. علاقه مسوولان وزارت آموزش‌وپرورش در مقاطع مختلف به تغییر ساختاری در وزارت آموزش‌وپرورش به شکلی است که دفاتر مهمی همچون دفتر زنان در آموزش‌وپرورش و دفتر آموزش‌وپرورش عشایری نیز به حاشیه رفته و به مشاوره یا گروه‌های کوچکی تقلیل یافته است. دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دفاتر وزارت آموزش‌وپرورش تا پیش از این مسوولیت مهمی در رابطه با تعیین سیاست‌های پیشگیرانه برای کاهش تهدیدهای اجتماعی‌ای که متوجه دانش‌آموزان در سنین هفت تا ۱۸سالگی است، داشت. اهمیت این دفتر در سال‌های گذشته به شکلی بود که حتی با حذف معاونت پرورشی در دولت هشتم و جایگزینی سازمان دانش‌آموزی خللی در روند فعالیت این دفتر به وجود نیامد. همچنین دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در آموزش‌وپرورش به نوعی پل رابطی میان وزارت کشور، ستاد مبارزه با موادمخدر، نیروی انتظامی و وزارت بهداشت به منظور تعیین سیاست‌هایی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در مدارس و در میان دانش‌آموزان بود که با حذف این دفتر هنوز مشخص نیست وزارت آموزش‌وپرورش در کنار برنامه‌های نخنماشده‌اش همچون توزیع جزوه‌های آموزشی اندک و برگزاری کارگاه در میان برخی از دانش‌آموزان چه برنامه مدون و مستمری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در مدارس دارد.

فرشیدی: تغییرات ساختاری آخرین مرحله تغییر و راحت‌ترین آن است

محمود فرشیدی، اولین وزیر آموزش‌وپرورش دولت نهم منتقد امروز آموزش‌وپرورش در دولت دهم شده است. در زمان مدیریت او در آموزش‌وپرورش منتقدی به اسم حاجی‌بابایی در مجلس حضور داشت و امروز با وزارت حاجی‌بابایی او به منتقد برخی سیاست‌های حمیدرضا حاجی‌بابایی تبدیل شده است. از این رو میزان تغییرات در ساختار و چارت آموزش‌وپرورش و همچنین مسایل محتوایی در این وزارتخانه به حدی است که او در گفت‌وگو با شرق می‌گوید: آنچه در آموزش‌وپرورش در حال حاضر مطرح است، تغییرات ساختاری است که اصولا آخرین مرحله تغییر، راحت‌ترین آن و در چشم‌ترین آنهاست.

او با انتقاد از تغییرات ساختاری مکرر در این وزارتخانه می‌افزاید: در حال حاضر مسوولان دلیل تغییرات ساختاری هزینه بر در آموزش‌وپرورش را به دلیل پیگیری تحول بنیادین می‌خوانند. در حالی که وقتی صحبت از تحول می‌کنیم به این معنا نیست که به دنبال بحث‌های قالبی و ساختاری برویم. مساله اصلی این است که تحول بنیادین، یعنی اینکه انسان مطلوبی که در تربیت انسانی نزدیک به آموزه‌های اسلامی است را تربیت کنیم و به این مساله تاکید شده اما متاسفانه در حال حاضر همه مسایل خلاصه می‌شود به اینکه ساعت‌های درسی کم و زیاد شود یا بحث‌های ظاهری‌ای مثل اینکه نظام آموزش ۳-۳-۶ یا مدلی غیراز اینکه به نظر من مسایل اینچنینی بیشتر در قالب ظاهر است و ارتباطی با مسایل ریشه‌ای و محتوایی ندارد، ما اگر به دنبال مسایل ریشه‌ای هستیم باید توجه بیشتر به محتوا داشته باشیم. او عنوان می‌کند: اصول تغییرات در آموزش‌وپرورش به عنوان یک تجربه ثابت شده به این شکل است که ما اول باید فلسفه‌ای طراحی کنیم بعد از آن الزامات فلسفه سپس نظامی را طراحی کنیم که براساس آن بتوانیم برنامه‌ریزی انجام دهیم و پس از آن به این فکر باشیم که برنامه را با توجه به چه ساختاری اجرا کنیم که این مساله در نوع خود زمان‌بر بوده و گام آخر این است که ما ساختار را تغییر دهیم، نه اینکه از ابتدا به دنبال تغییر ساختاری باشیم. او تاکید می‌کند: شاید دلیل مهمی که باعث می‌شود به مسایل ساختاری بیشتر توجه شود، این است که ساختار بیشتر از طرح‌های زیرساختی و محتوایی که نیاز اصلی آموزش‌وپرورش است به چشم مردم می‌آید و چون به ظاهر است به‌نوعی تلاش می‌شود که به دنبال تغییر ساختار بروند و ساده‌تر و ممکن است اما نگرانی ما این است که در تغییرات ساختاری برخلاف مسایل محتوایی پشتوانه محکمی وجود ندارد

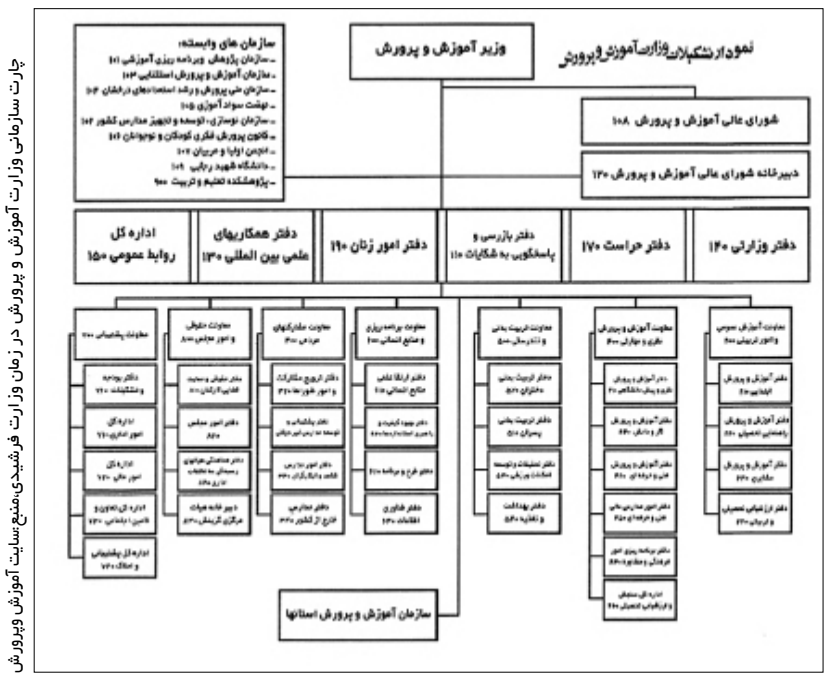

چارت سازمانی وزارت آموزش و پرورش در زمان وزارت فرشیدی،منبع:سایت آموزش وپرورش

چارت سازمانی تغییریافته وزارت آموزش و پرورش در زمان وزارت حاجی‌بابایی، منبع: سایت آموزش و پرورش

دریچه

دگرگونی‌ها، سرپوشی برای گریز از اقدامات ریشه‌ای

مهدی بهلولی

■ دو، سه سال پیش برای نخستین بار بود که تابلو «معاونت آموزش و نوآوری» را در اداره آموزش‌وپرورش دیدم. برایم عنوان تازه‌ای بود و تا آن زمان، درباره آن، چیز چندانی نشنیده بودم. پس از کمی پرس و جو، پی‌بردم از ادغام معاونت‌های عمومی (راهنمایی و ابتدایی) و نظری و مهارتی (دبیرستان و هنرستان) درست شده است. پس از چندی از زبان وزیر آموزش‌وپرورش وقت، علی‌رضا علی‌احمدی، شنیدم که به پیروی از قانون مدیریت خدمات کشوری و با هدف کوچک کردن دولت، این معاونت‌ها یکی شده‌اند. چندی گذشت و روشن شد که آموزش در دوره دبستان به‌ویژه از سویه‌های دیگری برخوردار است که آن را تا اندازه‌ای با مقطع متوسطه، متفاوت می‌کند و گرد آوردن آنها به جنبه‌های تخصصی کار آسیب می‌رساند. افزون بر اینکه کار معاون آموزش و نوآوری، آنچنان زیاد می‌نمود که از عهده یک نفر برنمی‌آمد. حاجی‌بابایی که وزیر شد دوباره معاونت‌های آموزش متوسطه و آموزش ابتدایی زنده شدند.

در سال ۱۳۷۲ در وزارتخانه آموزش‌وپرورش، اداره‌ای پدید آمد به نام «اداره کل امور زنان با این نگرش که چون نیمی از دست‌اندرکاران وزارت آموزش‌وپرورش، زن هستند پس باید در جایگاه بلندپایه مدیریتی نیز حضوری داشته باشند. تا افزون بر پرورش مدیر بلندپایه و توانمند زن و رسیدگی بهتر به برخی امور زنان، رفته‌رفته الگوهای شایسته‌ای ساخته شوند برای زنان و به‌ویژه دانش‌آموزان دختر ایرانی. همان که در آموزش‌شناسی (پداگوژی) نیز، بسیار از آن سخن رفته و می‌رود که یکی از نشانه‌های برابری جنسیتی، وجود الگوی رفتاری ارزنده زن است، تا خودباوری دانش‌آموزان دختر با نگاه به آن الگوها، افزایش یابد و بر حضور اجتماعی- سیاسی خویش بیفزایند. سه، چهار ماه پیش و پس از ۱۸ سال پیشینه، ناگهان خبر رسید اداره کل امور زنان وزارت آموزش‌وپرورش حذف شده است، سراسر حذف، آنچنان‌که: «تو گفتی که هرگز ز مادر نزاد».

ناگفته پیداست، نمونه‌هایی اینچنین در آموزش‌وپرورش بسیار است که از آن میان- که شاید زبانزدترین نیز باشد- می‌توان به ادغام معاونت آموزشی و پرورشی در دوران مرتضی حاجی اشاره کرد؛ کاری که چالش‌های بسیاری را برانگیخت. برای این ادغام نیز گواه و دلیل آموزشی بسیار آورده شد. اما پس از دوره اصلاحات و در سال ۸۵، معاونت پرورشی دوباره پدیدار شد. این نمونه‌ها، نشان می‌دهند در آموزش‌وپرورش ایران، «کارکارشناسی» چندان با آموزش‌شناسی، پیوندی ندارد و بیشتر مانندابزاری برای پیشبرد هدف‌های ناآموزشی به کار گرفته می‌شود. در هر دوره‌ای نیز سخن از دگرگونی‌های ساختاری و بنیادین می‌شود که در پرتو نگرشی آموزشی، کاستی‌ها و آسیب‌های آموزش‌وپرورش را نشانه رفته است؛ اما پس از چندی آشکار می‌شود که هیچ رویداد چشمگیری انجام نگرفته است. روشن است که این رفتار، می‌تواند بر دشواره‌های سامانه ناکارآمد آموزش ایران، بیفزاید. نخست اینکه اعتماد فرهنگیان، به برنامه‌های خوب و ارزنده احتمالی نیز از دست می‌رود؛ آن‌گونه که هم‌اکنون تا اندازه زیادی، اینچنین شده است. یکی، دو سال پیش در برخی منطقه‌های تهران، بیلبوردهایی آموزشی در دفتر آموزگاران آویزان شد که روی آنها، پاره‌ای تفاوت‌های شیوه‌های آموزش نوین و سنتی نوشته شده بود. اما تا آنجا که من پیگیر شدم و پرسیدم، واکنش مثبت آموزگاری برانگیخته نشد.

از سوی دیگر، دگرگونی‌های شتاب‌زده و پیاپی صوری و ظاهری، سرپوشی می‌شود برای گریز از کار ریشه‌ای و اندیشیده که می‌دانیم سخت است و مایه اندیشگی و اقتصادی می‌خواهد؛ سرپوشی می‌شود برای کم‌دانشی و کم‌آگاهی از آموزش‌وپرورش. اکنون و پس از سه دهه، این تنها فرهنگیان نیستند که پی به چرایی و پیامدهای اینچنین کارهایی برده‌اند و از آن گفت‌وگو می‌کنند. کافی است پای سخن وزیران اصلاح‌طلب و اصول‌گرای پیشین آموزش‌وپرورش بنشینیم تا دلیل این پدیده دگرگونی‌های ساختاری در آموزش‌وپرورش را با جزییات بیشتری بشنویم. محمود فرشیدی: «مساله اصلی در تغییر نظام آموزش تغییر محتواست و قالب و ساختار جنبه شکلی دارد... مساله اینجاست که تغییر محتوایی بسیار دشوار است و در عین حال زمانبر است. با توجه به اینکه دولت‌ها و مجلس‌ها عمر سیاسی کوتاه و چهارساله دارند و اکثرا می‌خواهند در این دوران اقداماتی انجام دهند که به چشم بیاید تا مجددا بتوانند نظر مردم را جلب کنند، سراغ ایجاد تغییرات در ساختار می‌روند.» محمدعلی نجفی: «ما از ابتدای انقلاب تا به امروز اندیشه روشنی در باب آموزش‌وپرورش نداریم. ما ادعا داریم که اسلام برای آموزش برنامه دارد، اما در واقع و در عمل برنامه‌ای اسلامی برای آموزش‌وپرورش نداشته‌ایم... هر بار یک ایدئولوژی متفاوت از دوره پیش بنا بود در آموزش‌وپرورش اجرا شود، ضمن آنکه ایدئولوژی جدید هم به درستی تبیین نمی‌شد. همین موجب یک حرکت زیگزاگی و اعوجاج در آموزش‌وپرورش در طول سال‌های پس از انقلاب شد.» کاظم اکرمی: «اشکال ما در این سال‌ها این بوده است که نه‌تنها در آموزش‌وپرورش، بلکه در کل دولت دایما با تغییر وزرا و معاونان آنها روبه‌رو بوده‌ایم و هر که آمده تقریبا تمام آنچه را از پیش بوده، نفی کرده و از ابتدا شروع کرده و عمارت نو ساخته است.» باری، اکنون پرسش این است که آیا از این همه دگر- نمایی‌ها، آموزش ایران را بهره‌ای خواهد رسید؟